



گزارش‌ها

## نقش روابط درون منطقه‌ای در فضای اورآسیا -

### ساختار همکاری‌ها در درون و پیرامون

### کشورهای مستقل مشترک‌المنافع:

### چشم‌اندازها و چالش‌ها

بنابه دعوت «مؤسسه مطالعات شرق و غرب» بوداپست، دومین کارگاه آموزشی تحت عنوان: «نقش روابط درون منطقه‌ای در فضای اورآسیا - ساختار همکاری‌ها در درون و پیرامون کشورهای مستقل مشترک‌المنافع: چشم‌اندازها و چالش‌ها» در تاریخ ۱۵ و ۱۶ اسفند ۱۳۷۷ (۶ و ۷ مارس ۱۹۹۹) با حضور پنجاه تن از نمایندگان و کارشناسان ۱۷ کشور ایران، آلمان، اتریش، ازبکستان، ارمنستان، آذربایجان، آمریکا، گرجستان، فنلاند، روسیه، قرقیزستان، مجارستان، بلژیک، انگلستان، لیتوانی، اوکراین و لهستان در ایروان تشکیل شد. در این گردهم‌آیی کارشناسان در سه حوزه کاری تحت عنوان: ۱. همگرایی اقتصادی پیرامون کشورهای مستقل مشترک‌المنافع؛ ۲. توسعه همکاری در زمینه‌های انرژی و حمل و نقل در درون و پیرامون کشورهای مستقل مشترک‌المنافع؛ ۳. اجتناب از مناقشه و مدیریت آن برای همکاری درون منطقه‌ای، سخنرانی کرده و به بحث و تبادل نظر پرداختند.

بحث اصلی شرکت‌کنندگان در گردهم‌آیی مزبور بر حول این محور بود که، با توجه به مشکلات روسیه در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی، ضرورت حضور سازمان‌های درون منطقه‌ای روز به روز بیشتر احساس می‌شود و گزچه حضور روسیه مورد استقبال برخی از کشورها قرار دارد ولی ناتوانی آن در ایفای یک نقش مهم در منطقه باعث دلسردی دیگران

می‌شود. نتیجه آن که نوعی همکاری موفقیت‌آمیز پیرامون کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بدون حضور یک روسیه باثبات امکان‌پذیر نخواهد بود. اگر سازمان‌های درون منطقه‌ای، روسیه را در معادلات خود به حساب نیاورند، به هرگونه طرح و برنامه‌ای به چشم سوءظن نگریسته خواهد شد. افزون بر آن ضعف و یا فقدان «ساختارها» در بسیاری از کشورهای مزبور مانع عمده و بزرگی بر سر راه همکاری عملی میان آنها خواهد بود. با این حال روابط میان این کشورها در چارچوب سازمان‌های درون منطقه‌ای باعث پرننگ‌تر شدن هویت ملی آنها در سطح جهانی می‌شود. مسأله دیگری که باید مطمئن نظر قرار گیرد، بحث رهبری فردی دولت‌هاست که نقش مؤثری در توسعه روابط بین دولت‌ها دارد. فرآیندهای درون منطقه‌ای و گسترش آنها مدیون ابتکارات شخصی رهبران کشورهای منطقه و روابط آنها با سران سایر دولت‌هاست. این امر نیز حقیقت دارد که با پایان یافتن نسل کنونی رهبران کشورها در آینده، منطقه احتمالاً شاهد توسعه بیشتری در زمینه‌های گوناگون خواهد بود.

بازیگران خارجی نیز نقش مهمی در همکاری درون منطقه‌ای در حلقه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بازی می‌کنند و در تأمین منابع مالی برای اجرای طرح‌های مورد نظر، فعالیت سازمان‌های بین‌المللی و اقدامات بازیگران تجاری فرامنطقه‌ای بر همکاری‌های مورد بحث تأثیرگذار خواهند بود. نقش بازیگران خارجی زمانی اهمیت خواهد یافت که ارزشی برای فرآیند مشروعیت که متضمن شفافیت سیستم‌ها می‌باشد، قائل باشیم.

استخراج منابع نفت و گاز و مسأله حمل و نقل در حال حاضر یکی از نیرومندترین جریاناتی است که به الگوهای درون منطقه‌ای شکل می‌بخشد. این جریان گرچه متضمن منافع متقابل میان کشورهاست ولی باعث ایجاد رقابت و تنش در منطقه شده و از این رو همکاری میان بازیگران دولتی و غیردولتی از اهمیت وافر برخوردار می‌باشد.

تحقیقات گوناگون نشان داده که عملکرد سازمان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به مثابه یک نهاد اقتصادی، سیاسی یا نظامی در میان اعضاء آن با شکست مواجه شده است و گرچه این سازمان اساساً دارای یک هویت سیاسی است ولی در حال حاضر درصدد آن است که به صورت یک سازمان اقتصادی عمل کند.

کشورهای عضو سازمان مزبور با وجود این که از لحاظ حمل و نقل و ارتباطات شدیداً به یکدیگر وابسته هستند ولی تاکنون نتوانسته‌اند از لحاظ تجاری و سرمایه‌گذاری به توفیق

چشمگیری دست یابند. نکته مهم‌تر آن که فقدان اجماع میان کشورهای مستقل مشترک‌المنافع در خصوص ماهیت و میزان همگرایی علت اصلی این ناکامی بوده و با این حال همکاری اقتصادی میان کشورهای فوق هنوز هم محتمل‌ترین زمینه موجود را تشکیل می‌دهد.

در دومین کارگاه آموزشی، معاون اجرایی مؤسسه مطالعات شرق و غرب ضمن شرح اهداف مؤسسه اظهار داشت که این مؤسسه علیه هیچ کس فعالیت نمی‌کند، بلکه با استفاده از تجارب موجود سعی در ایجاد نوعی پویایی در منطقه دارد. بنظر وی قفقاز از اهمیت حیاتی برای تأمین امنیت شرق و غرب (اروپا) برخوردار است و در این راستا باید اختلافات موجود هر چه سریع‌تر کنار گذاشته شده و راههای عملی برای بهبود اوضاع اقتصادی منطقه پیدا شود. همچنین، چالش‌های در پیش رو مورد بررسی قرار گرفته و سیاست‌های لازم اتخاذ گردد.

آقای بایبوردیان معاون وزیر خارجه ارمنستان در بیانات افتتاحیه خود با اشاره به برنامه کاری پطروس غالی دبیرکل پیشین سازمان ملل متحد مبنی بر همکاری سازمان‌های بین‌المللی در پیش برد صلح و امنیت جهان، اظهار داشت که روابط ما با همسایگان بلافصل از اهمیت بسیاری، برخوردار است. وی ضمن ارزشمند توصیف کردن روابط ارمنستان با جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت که دولت متبوع وی از همکاری‌های متقابل استقبال می‌کند و آماده هرگونه همکاری برای زدودن اختلافات منطقه‌ای میان کشورهای قفقاز است. وی در مجموع، اوضاع را غیرقابل پیش‌بینی توصیف کرد.

نخستین سخنران جلسه نماینده دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی بود که درخصوص نقش سازمان همکاری‌های اقتصادی (اگو)، بیاناتی را ایراد کرد و ضمن پرداختن به سوابق تاریخی سازمان و نحوه تشکیل آن در سال ۱۹۶۴، اهداف، تشکیلات و ساختار آن به مسأله همگرایی در سازمان اشاره کرد و اظهار داشت که: بنظر می‌رسد کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی بنا به دلایل زیر دارای استعداد‌های لازم برای تشکیل سازمانی بسیار گسترده‌تر هستند:

نخست آنکه این سازمان متشکل از کشورهایی است که دارای مشترکات تاریخی و فرهنگی هستند و مشکلات سیاسی آنها حاد نیست. روابط میان آنها برادرانه و صمیمانه است و کسی از آنها درصدد اعمال برتری خود بر دیگران نیست.

دوم این که برخی از کشورهای عضو بنحوی طعم استعمار را چشیده‌اند و قطعاً به

کسی اجازه نخواهند داد تا امیال سلطه طلبانه خود را بر آنها تحمیل کند. و دلیل سوم آن است که وضعیت این کشورها طوری است که بازار آنها می‌تواند به خوبی کالاهای همدیگر را جذب کند. نگاهی به فهرست طولانی امکانات کشورهای عضو نشان می‌دهد که این کشورها می‌توانند به آسانی راه خود اتکایی را در پیش گرفته و در بسیاری از زمینه‌ها از واردات کالا بی‌نیاز شوند.

اصلاحات انجام شده در عهدنامه از میر نشان می‌دهد که کشورهای عضو در زمینه‌های بسیاری آماده هستند تا گام‌های لازم را برای نیل به اهداف درازمدت خود بردارند و در این راستا مرادوات متعددی را با سازمان‌های اقتصادی نظیر سارک و آسه‌آن به انجام رسانده‌اند.

سخنران دوم آقای اوروزیک مولدالیف از دفتر بین‌الملل تجارت و امنیت قرقیزستان بود که درخصوص همگرایی، همکاریهای منطقه‌ای، مسایل زیست محیطی، حمل و نقل و ارتباطات صحبت نمود و به تلاش‌های مشترک برای مبارزه با مواد مخدر، تروریسم سازمان یافته و بنیادگرایی اسلامی اشاره کرد.

سخنران سوم آقای الخ بیگ عالم اف محقق اداره راهبردی و برنامه‌ریزی ازبکستان بود که اظهار داشت: ما در منطقه‌ای هستیم که محاط به خشکی است و با وجود داشتن نفت و گاز، مشکلات اقتصادی فراوانی داریم. حمل و نقل جاده‌ای مانا توان است و از گسترش راه‌ها خبری نیست. روند کنونی جهانگرایی با سنت‌های تاریخی ما تقابل پیدا کرده است.

سخنران چهارم پرفسور ادموند هرتزیگ از دانشگاه منچستر انگلستان بود که طی بیاناتی اظهار داشت: اتحاد شوروی از درون باز بود و از خارج بسته. سیستم اقتصادی آن به رهنمودهای برنامه‌ریزان کمیته مرکزی حزب کمونیست بیشتر از نیازهای بازار توجه داشت.

اقتصاد کشورهای حوزه قفقاز از سال ۱۹۹۱، یعنی از تاریخ استقلال آنها، روند نزولی را طی کرده است و کشورهای مذکور برای توسعه اقتصادی خود نیازمند ایجاد ساختارهای جدید، روابط تجاری نوین، سیستم‌های مالی، مخابراتی و حمل و نقل جدید هستند و تا زمانی که این پیش شرط عملی نگردد، اوضاع اقتصادی همچنان نابسامان خواهد بود.

از سوی دیگر، منازعات منطقه‌ای نظیر منازعه قره‌باغ بین آذربایجان و ارمنستان و نیز رقابت رهبری بین قزاقستان و ازبکستان و تنش‌های منطقه‌ای میان کشور اخیر و همسایگانش

از جمله موانع جدی در راه توسعه اقتصادی هستند. به علاوه روسیه، چین، ترکیه، ایران و پاکستان نیز تا حدودی در منطقه از رقبای یکدیگر بشمار می‌روند و در قبال مواضع جهانی، موضع مشخص خود را اتخاذ می‌کنند. در این میان، تحریم آمریکا علیه ایران نیز برای همکاری منطقه‌ای موانع جدی ایجاد کرده است.

باتوجه به عوامل فوق جای تعجب نیست که رسیدن به آرمان‌های مورد نظر از رکورد مناسبی برخوردار نبوده است.

سازمان همکاری‌های اقتصادی که تعداد اعضای آن از سال ۱۹۹۲ به ده کشور رسیده است، با وجود جاه‌طلبی‌های آن (برای تشکیل یک بازار مشترک اسلامی)، موفق به حصول به اهداف محدودی شده و قادر نبوده است تا سرمایه‌هایی را برای انجام طرح‌های خود بسیج کند.

بنابراین همکاری میان کشورهای منطقه و درون منطقه نیاز به تحقق پیش شرط‌های یاد شده دارد و پیشرفت در اصلاحات اقتصادی و بازرگانی که به عضویت در سازمان تجارت جهانی منجر شود بستگی به ایجاد بستری برای اجرای حاکمیت قانون، شفافیت سیستم و حسابرسی دقیقی دارد.

کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی روز به روز واقع بین‌تر می‌شوند و درمی‌یابند که باید از طریق ایران به بازار مشترک اروپایی و نیز بازارهای شرقی دست پیدا کرد. در دومین نشست که روز هفتم مارس برگزار گردید، درخصوص انرژی و توسعه شبکه‌های حمل و نقل بحث و تبادل نظر گردید و چگونگی استخراج نفت و گاز و نیز حمل و نقل آن به بازارهای خارجی و مشکلات در پیش روی توسط دو تن از محققین مورد بحث قرار گرفت.

نخستین سخنران اورانت روزچکاس محقق در زمینه انرژی از دانشگاه «کمبریج» بوستن بود که سرمایه‌گذاری در مورد نفت و گاز دریای خزر را از مهمترین مسایل موجود دانست و به اقدامات بازدارنده، موانع و مشوق‌های دولت‌های منطقه اشاره کرد. بنظر وی شرکتهای خصوصی نمی‌توانند بدون موافقت کشورهایایی مثل آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان به موفقیت نایل شوند و ارمنستان باید در بازی خط لوله منطقه دخالت داده شود،

همچنین، مسأله قره‌باغ علیا باید هرچه زودتر حل شود. وی در پایان سخنرانی خود روسیه، ایران، چین و ترکیه را از بازیگران اصلی منطقه دانست.

سخنران بعدی دکتر فریدمان مولر از بنیاد علم و سیاست آلمان بود که اظهار داشت: امروز مسأله رقابت کشورهای گوناگون در صحنه جهانی مطرح است، یکی رقابت در صحنه سیاسی و دیگری رقابت برای حاکمیت قانون.

به نظر وی برای سرمایه‌گذاری در کشورهای منطقه باید به ساختارهای اقتصادی آنها، هزینه‌های حمل و نقل و به مسایل امنیتی نظیر تروریسم توجه داشت. وی پس از اشاره‌ای کوتاه به مسأله همگرایی در کشورهای مستقل مشترک المنافع به مسأله شناخت هرچه بیشتر منابع دریای خزر اشاره کرد و گفت منابع شناخته شده موجود در حال حاضر معادل ده برابر کل تولید ناخالص داخلی کشورهای منطقه است. بنظر دکتر مولر، آمریکا در حال حاضر سیاست تهدید و تطمیع را در منطقه در پیش گرفته است.

نشست بعدی درخصوص «اجتناب از مناقشه و چگونگی مدیریت آن» بود که توسط سه تن مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

نخستین سخنران دکتر جرارد لیباریدیان محقق ارشد مؤسسه مطالعات شرق و غرب از نیویورک بود که تحت عنوان: «ساز و کار هشدارهای اولیه و جلوگیری از مناقشه در سطح درون منطقه» به سخنرانی پرداخت و پس از مقدمه‌ای طولانی درخصوص مناقشات منطقه‌ای اظهار داشت: امروزه همکاری‌های سیاسی به سمت همکاری‌های اقتصادی سیر می‌کند و طبعاً مناقشات سیاسی نیز شکل اقتصادی به خود می‌گیرد. در این میان، مسأله فقدان صلح نیز تأثیر فراوانی بر روند حیات سیاسی منطقه می‌گذارد و اشغال سرزمین‌ها علاوه بر تبعات سوئی که در پی دارد مشکل آوارگان را نیز پدید می‌آورد.

بنظر وی تصمیم آذربایجان مبنی بر سیاسی کردن اقتصاد تأثیر سوئی بر ارمنستان گذاشته است و این کشور از هرگونه مصالحه‌ای در این زمینه خودداری می‌کند. وی در ادامه سخنرانی خود اظهار داشت که: مراکز ثقل در خارج از منطقه قرار دارند و یکی از مشکلات اساسی خود آمریکا است که سیاست‌های دوگانه‌ای را در پیش گرفته است و می‌خواهد که ایران را منزوی کند و روسیه را از حرکت به سمت ایران بازدارد. وی در پایان اظهار داشت که،



خط باکو - جیهان از دیدگاه دیگران یک تهدید اصلی بشمار می‌رود و آمریکا باید در سیاست خود تجدید نظر کند.

دومین سخنران «راجان ممنون» از دانشگاه کلمبیا بود که درباره آثار حل مناقشه و درگیری‌های درون منطقه‌ای در حفظ صلح بین‌المللی اظهارداشت: فروپاشی شوروی بر بسیاری از تعاریف متعارف درخصوص روابط بین‌الملل تأثیرگذار بوده و سازمان ملل متحد نیز ناگزیر بوده است تا برای پاسخ‌گویی به فصل هشتم منشور تغییراتی در ساختار نیروهای حافظ صلح بدهد. به نظر وی، همکاری منطقه‌ای و درون منطقه‌ای باید قادر باشد تا خصومت‌های موجود را از پیش پای بردارد، در غیراین صورت جمع‌جبری فعالیت‌های موجود به «بازی با حاصل جمع صفر» منتهی خواهد شد. به‌نظر این کارشناس، حل و فصل مناقشات باید رنگ و بوی محلی داشته باشد وگرنه مسأله برتری‌جویی قدرت‌های بزرگ مطرح می‌شود که طبعاً با فصل هشتم منشور نیز مغایرت پیدا خواهد کرد.

آخرین سخنران، دیوید دارکیاشویلی از مؤسسه قفقازی صلح، دموکراسی و توسعه تفلیس (گرجستان) بود که اظهار داشت: همکاری‌های منطقه‌ای و درون منطقه‌ای کشورهای منطقه نیاز به همکاری «شبه سیاسی» و «شبه اجتماعی» دارد. این کشورها هنوز درگیر روند «کشورسازی» هستند. موقعیت جغرافیای سیاسی ارمنستان می‌تواند نقش بسیار مهمی در امنیت منطقه و جنوب گرجستان ایفاء کند.

در بخش جمع‌بندی بحث‌ها، آقای آناتولی لیون از مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی لندن با اشاره به اهمیت ژئوپلتیک، نفت، مساحت، جمعیت و سایر ویژگی‌های جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت که این کشور می‌تواند نقش بسیار مهمی در تأمین صلح و امنیت واقعی بین آذربایجان و ارمنستان ایفاء کند. بنظر وی سیاست آمریکا در منطقه می‌تواند شکل مثبت‌تری به‌خود بگیرد.

آقای دیمتری ترینین از مرکز کارنگی مسکو نیز اظهار داشت: گرچه اصطلاح کشورهای مستقل مشترک‌المنافع خیلی مفید است ولی این تشکیلات به علل بسیار نتوانسته است مفید بودن خود را ثابت کند. بنظر ترینین روسیه در یک سردرگمی عجیبی گیر کرده است و قدرتهای بزرگ منطقه نیز هنوز می‌توانند ایفاگر نقش بزرگی در حل مناقشات منطقه باشند.



سئوالات کارشناسان اکثراً در رابطه با شناسایی حکومت طالبان و آینده آنان، چگونگی انتقال انرژی از دریای خزر، پیوستن کشورهای آسیای مرکزی به سازمان تجارت جهانی و تحرک بخشیدن به فعالیتهای سازمانهای موجود در پیرامون کشورهای مستقل مشترک المنافع بود.

### نتیجه

۱. ضرورت همکاری میان سازمانهای منطقه‌ای و درون منطقه‌ای برای تحرک بخشیدن به سازمان کشورهای مستقل مشترک المنافع که در نهایت باعث پررنگ‌تر شدن هویت ملی کشورهای تازه استقلال یافته در سطح جهانی خواهد شد، مورد تأکید قرار گرفت.
۲. همکاری میان سازمانهای ذریبط، خود نیازمند تأمین یک بستر امنیتی در منطقه قفقاز است که باید با مشارکت کشورهای منطقه ایجاد شود. دخالت دادن کشورهای بزرگ فرامنطقه منجر به برقراری نوعی برتری جویی و در نتیجه افزایش سوءظن‌هایی خواهد شد که مقبول ملت‌های منطقه نخواهد بود.
۳. استخراج منابع نفت و گاز، نیرومندترین جریان موجود در منطقه است که به الگوهای منطقه‌ای شکل می‌بخشد و در عین حال موجب تنش و رقابت می‌شود. در این میان، مشارکت بازیگران دولتی و غیردولتی با یکدیگر به فرایند تنش زدایی کمک خواهد کرد.
۴. ضمن دخالت دادن ارمنستان در ترتیبات امنیتی منطقه قفقاز، باید کوشش بعمل آید تا مناقشه قره‌باغ نیز به نحو مطلوبی حل و فصل شود.
۵. جمع‌بندی دیدگاههای صاحب‌نظرانی نظیر روی آلیسون (مؤسسه سلطنتی انگلستان)، پرفسور ادmond هرتزیگ (دانشگاه منچستر)، دکتر فریدمان مولر (بنیاد علم و سیاست آلمان)، دکتر جرارد لیباریدیان (کمبریج آمریکا)، آناتولی لیونت (مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک) و... نشان می‌دهد که ایران دارای یک جایگاه بین‌المللی بسیار برجسته است و باید حتماً در کنار روسیه نقش مهمی ایفاء کند. حضور مؤثر جمهوری اسلامی ایران در محافل بین‌المللی موجب عقب‌نشینی گام به گام سیاست‌های زورمدارانه آمریکا در قبال ایران خواهد شد.





۶. اگر موضوع لوله‌های نفتی جنبه سیاسی به خود بگیرد، آتش مناقشه‌های دیگری در منطقه قفقاز روشن خواهد شد که هیچ کس از لهیب سوزان آن در امان نخواهد بود.

### ملاحظات

توسعه منطقه‌ای براساس موقعیت تاریخی و شرایط جهانی از یک سو و توانایی‌ها و امکانات بالقوه کشورهای عضو از سوی دیگر، صورت می‌گیرد. کارکردهای رسمی و دولتی گرچه لازم است ولی به تنهایی کافی نیست و طیف گسترده‌ای از کارشناسان حرفه‌ای برای ایجاد زمینه‌های تفاهم و همکاری موردنیاز می‌باشد. در حال حاضر حدود ۳۷۰ میلیون نفر در کشورهای عضو اکو زندگی می‌کنند و این کشورها دارای منابع گسترده نفت و گاز و اراضی مناسب کشاورزی و منابع آبی قابل انتقال، تجربه‌ها و تخصص‌های فنی و صنعتی، صنایع سنگین و پتروشیمی هستند. بسیاری از کالاها می‌توانند برای همین بازارها ساخته شوند و در مقابل یکدیگر بدون نیاز به ارز خارجی مبادله شوند.

تشکیل یک اتحادیه منطقه‌ای نیرومند و مؤثر، نیازمند شناخت نیروهای درونی و موانع پیرامونی و تدوین استراتژی‌ها و هدف‌های مقطعی و بلندمدت و راه‌های کوتاه‌مدت است. سطوح گوناگون همکاری باید مبتنی بر مشارکت عوامل گسترده‌ای باشد که فراتر از منافع دولت‌ها است. بدون شک، سازمان همکاری اقتصادی، از زمینه و شرایط مالی مناسب برای تبدیل شدن به یک اتحادیه منطقه‌ای برخوردار است، که فراتر از موافقتنامه‌های گمرکی باشد و به سمت بازارهای بزرگ و کارآمد حرکت کند و در مقابل انحصارهای صاحبان صنعتی توان دفاع اقتصادی داشته باشد، اما لازمه این کار تبیین هر چه بیشتر شیوه‌های مبارزه و راهبردهایی است که بتواند پاسخ‌گوی نیازهای اکو تا سال ۲۰۲۰ باشد.

تنها در این صورت است که سازمان همکاری اقتصادی می‌تواند با گشودن هرچه بیشتر بال‌های خود باب تازه‌ای از فعالیت‌های خود را با تشکیلات منطقه‌ای نظیر کشورهای مستقل مشترک‌المنافع بگشاید و در برابر «اتحادیه اروپا» حرفی برای گفتن داشته باشد.

غلامرضا علی‌بابایی

